



عدم توانایی انسان در تفسیر مسیر حکمت الهی با توسل

بر اساس آموزه های دین مبین اسلام و قرآن مجید، توسل چیز خوبی است، اما با توسل نمی شود....

بر اساس آموزه های دین مبین اسلام و قرآن مجید، توسل چیز خوبی است، اما با توسل نمی شود مسیر حکمت پروردگار را تغییر داد چرا که خداوند فرمود: «يَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ».

به گزارش خبرگزاری مهر، بعضی از فرمایشات ائمه (ع) جزء اصول، بعضی از عمومات و بعضی از اطلاقات هستند که غیر قابل تخصیص و تقیید می باشند. بیان نورانی امام سجاد (ع) در صحیفه هم از همین قبیل است. حضرت می فرمایند: «يَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ»؛ ای خدایی که با هیچ وسیله نمی شود مسیر حکمت تو را عوض کرد.

وجود مبارک سلیمان با همه قداست و قربی که داشت دعا می کرد، اما حکمت ذات اقدس الهی اقتضا می کرد که حیات او تا فلان وقت باشد. «أَلْقَيْنَا عَلِيَّ كَرْسِيَهُ جَسَدًا» که بعد او هم انابه کرد، چون «مُنِيب» و «اَوَّاب» بود مراجعه کرد رَبِّ اعْفِرْ لِي.

بعد خواسته خودش را مطرح کرد؛ عرض کرد به من چیزی بده که برای دیگران نباشد «رَبِّ اعْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِلَيْكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ کسی این ملک را نداشته باشد، حالا سابقاً بود ممکن است؛ ولی «لاحقه» نداشته باشد.

حالا این جا احتمال این است که «ضتت» و بخل ورزید، آیا چنین است یا اینکه چیزی اختصاصی به من بده، ممکن است که به دیگری چیزی بهتر از این می دهی؛ ولی اینکه به من می دهی مخصوص من باشد، ممکن است به دیگران چیزهای برتر و بهتر عطا کنی؛ ولی این جزء اختصاصی من باشد. چند جواب درباره این حرف گفته شد که این یعنی چه؟ با اینکه وجود مبارک پیغمبر این را داشت و وجود مبارک حضرت حجت (ع) که ظهور می کند این را دارد، اینکه فرمود ما باد را بر او مسخر کردیم «و لِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ عَذُّوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ»؛ یعنی بامداد راه يك ماهه را طی می کند، عصر و شامگاه راه يك ماهه را طی می کند؛ یعنی این بادی که در اختیار سلیمان بود يك روز راه دو ماه را می رفت؛ بامداد يك ماه، عصر يك ماه؛ اگر يك روز می خواست حرکت کند در طول يك روز، راه شصت روزه را طی می کرد. خدا این نعمت ها را به او داد، باد را «فُسَحْرْنَا لَهُ الرِّيحُ» که «عَذُّوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ».

این با کرامت و اِجلالی که خدای سبحان در جریان حضرت سلیمان قبل و بعد این قصه ها ذکر می کند مخالفت ندارد، زیرا سلیمان عرض نکرد که من را بر دیگری ترجیح بده؛ نه، ممکن است به دیگری خیلی بهتر از آن چیزی که به من می دهی بدهی؛ ولی يك چیز اختصاصی به من بده.

ممکن است به دیگری چیزی بدهد که مثل این باشد یا بهتر از این باشد من حرفی ندارم؛ ولی اینکه به من می دهی به کسی نده. این را چند گونه جواب دادند: یکی اینکه دیگران ممکن است داشته باشند، اما اظهار نکنند و جوابی که برخی از عرفای دیگر دادند این است که گفتند او به عنوان سلیمان بن داود که يك شخصیت حقیقی دارد و نام او سلیمان است و يك فرد عادی است، برای این نخواست، این را برای مقام خاصی خواست؛ اگر اولیای دیگر، ائمه و انبیا و انسان های کامل به این مقام برسند او همان است، او همان سلیمان است. آن بزرگوار که می گوید اولیای دیگر هم داشتند، ایشان می گوید بر خلاف دعای سلیمان نبود. این برای این مقام بود که من در این مقام هستم، این مقام دارای این سمت باشد، دیگران هم به همین مقام رسیدند و این وصف را داشتند، او غیر از سلیمان کس دیگری نیست. اگر منظور سلیمان بن داود است شخصیت حقیقی است، این دعا آن نیست و اگر مقام خاص سلیمانی است، بله در این مقام خاص سلیمانی هر که به این مقام برسد «گر انگشت سلیمانی نباش/ چه خاصیت دهد نقش نگینی».

اگر کسی به مقام سلیمانی برسد همان است و دیگری نیست، بیگانه نیست؛ خیلی این حرف، حرف لطیفی است. کسی نباید دنبال اینکه حسد است، اصلاً این گفتن ندارد؛ کسی می گوید برای مقام سلیمانی است، اگر آن مقام بود انگشتی که به دست گرفتی جن و انس تابع آن هستند، اگر به آن مقام رسیدید «فُسَحْرْنَا لَهُ الرِّيحُ» که «عَذُّوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ» نصیب اوست. این دو جواب، حداقل این مطلب است.

برگرفته از درس تفسیر آیت الله جوادی آملی